

رؤیای ۵۵ساله محقق شد

سر ایران، قهرمان ایران

شاید روزی که زنوزی یه جذب ستاره‌های لیگ و افراد تا تأثیر گذار در کسب عنوان قهرمانی کمر بست، کمتر کسی قهرمانی زودهنگام تراکتور را یاور می‌کرد. این نخستین بار نبود که سرخیوشان تبریزی با هدف کسب عنوان قهرمانی ریختو پاش می‌کردند. آنها پیش‌تر نیز بارها اقدام به جذب نام‌های بزرگ کرده بودند. از بنگر، محسن فروزان، نصرتی، عالیشاه و مسعود شجاعی گرفته تا اشکان دژآگه، اما جذب ستاره‌های وقت فوتبال ایران هم نتوانست باعث لمس جام از سوی سرخیوشان تبریزی شود.

گزارش
دنیا جیدری

تلاش‌هایی که نتیجه نداشت تراکتور در لیگ یازدهم (۱۳۹۰-۱۳۹۱)، قایت تنگاتنگی با سپاهان و استقلال برای کسب عنوان قهرمانی داشت اما دست آخر با ۶۶ امتیاز (یک امتیاز کمتر از زردپوشان اصفهانی) سومین قهرمانی بی‌دری حریف زردپوش را به تماشا نشست و به واسطه تفاضل گل بهتر نسبت به استقلال، نایب قهر ما شد. در لیگ دوازدهم (۱۳۹۱-۱۳۹۲) نیز رقابت بین استقلال، تراکتور و سپاهان بود که سرخیوشان تبریزی برای دومین سال پیاپی به نایب قهرمانی رضایت دادند، اما این بار به واسطه فاصله دو امتیازی با استقلال صدرنشین، ولی شکست استقلال در بازی آخر به داماش، حسرتی عمیق به دل تراکتور گذاشت چراکه این تیم اگر دو هفته قبل برابر فولاد به مساوی رضایت نداده بود یا نتیجه بازی با سپاهان را واگذار نکرده بود، می‌توانست با استفاده از شکست ابی‌پوشان پایتخت در گام پایانی عنوان قهرمانی را از آن خود کند اما برای دومین سال پیاپی کمتر در دره دوم قرار داشت و سپاهان با ۵۶ امتیاز دوم ننوانست در میان مدعیان قهرمانی جای گیرد و درحالی فصل را به پایان برد که با کسب ۴۵ امتیاز در رده ششم قرار گرفته بود، آن هم با فاصله هشت امتیازی از استقلال (تیم پنجم جدول)، ولی تراکتور از این دور خیز برای شروعی متفاوت در لیگ چهاردهم استفاده کرد و باز هم در بین مدعیان قهرمانی قرار گرفت اما این بار در رقابت با سپاهان و نفت تهران، قهرمانی در این فصل به روز آخر کشید. تراکتور با ۵۷ امتیاز صدرنشین بود، نفت تهران با امتیاز مشابه و تفاضل گل کمتر در رده دوم قرار داشت و سپاهان با ۵۶ امتیاز سوم بود، اما برخلاف سپاهان که در مصاف با سایپا پیروز میدان شد، بازی همچنان انگیز تراکتور و نفت‌تهران به تساوی انجامید تا سپاهان جام را در دست رقبای تبریزی و تهرانی درآورد و در اصفهان بالای سر برسد، آن هم در شرایطی که تراکتور اگر چه در بازی پایانی لیگ خیلی زود (دقیقه ۶) دروازش باز شد اما از دقیقه ۳۷ تا ۶۱ سه مرتبه دروازه

نفت را باز کرد تا به قهرمانی مطمئن شود، اما بعد از اخراج آندرانیک تیموریان ورق به سود نفت برگشت و حریف تهرانی گل‌های خورده را جبران کرد تا به واسطه تساوی ۳-۳ بازی، یک بار دیگر حسرت قهرمانی به دل تراکتور و هوادارانی که یادگار امام را پر کرده بودند، بماند. بعد از آن تراکتور به جز سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (لیگ هفدهم) و ۱۴۰۰-۱۴۰۱ (لیگ بیست‌ویکم) همواره جایگاهش را بین رده‌های سوم تا پنجم جدول رده‌بندی حفظ کرد تا سرانجام در لیگ بیست و چهارم بعد از ۵۵سال با کسب نخستین قهرمانی، رؤیای هوادارانش را محقق کند، آن هم با آمار خیره‌کننده‌ای چون در اختیار داشتن بهترین خط حمله با ۵۱گل زده و بهترین خط دفاع لیگ با ۱۵ گل خورده و البته دستکش طلایی که به زودی بابت ۱۶ کلین‌شیت تا قبل از پایان لیگ به بیرانوند برسد.

لیگ دست یابد، آن هم در شرایطی که هنوز دو هفته تا پایان لیگ باقی‌مانده بود!

نتها در خانه

قزوینی‌ها تصورش را هم نمی‌کردند وقتی به ورزشگاه سردار آزادگان می‌رسند، با سکوهای پر و مملو از تماشاگران تراکتور مواجه می‌شوند. این بی‌شک نخستین باری بود که شمس آذر در خانه تنها می‌ماند و گوش تا گوش ورزشگاه را تماشاگران همهجان پرکرده بودند؛ هواداران پرشوری که آمده بودند برای جشن قهرمانی و حاضر نبودند این لحظه رؤیایی و تاریخی را از دست بدهند و همین تفکر باعث شد قزوینی‌ها راه آمده را بازگردند و شمس آذر را مقابل تراکتوسری که آمده بود برای جشن گرفتن قهرمانی، تنها بگذارند، محقق کردن رؤیایی که چند نسل جشن‌انتظارش بودند، اما داستان تنها به قزوین خلاصه نمی‌شد. تبریز سرخ

از قزوین بود، خیابان‌های شهر را مردمی پر کرده بود که گویی قصد خانه رفتن نداشتند و می‌خواستند تا صبح شادی‌های‌شان را با یکدیگر تقسیم کنند و کار به جایی رسید که از قزوین خبر رسید تیم برنمی‌گردد و هواداران دست از قرق خیابان‌ها بردارند و راهی خانه‌های‌شان شوند تا روزی که قرار است این قهرمانی تاریخی جشن گرفته شود.

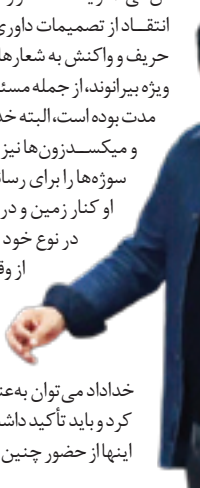
مسیر موفقیت

نقطه آغاز قهرمانی تاریخی تراکتور، مردامده سال گذشته بود، در دست زمانی که نداد نیکولیچ با امضای قراردادی به عنوان مدیر آکادمی تراکتور انتخاب شد تا مسیری برای شکل‌گیری کادری تمام کروات باز شود، البته دست گذاشتن روی مربیان خارجی داستان تازه‌ای در تراکتور نبود؛ تیمی که عادت داشت به تغییر مکرر سرمربی‌ها در طول یک سال و انتخاب‌های عجیبی چون جان توشاک! به همین دلیل کمتر کسی تصورش را می‌کرد اسکوپچ

فوتبال حرفه‌ای نیازمند مدیریتی حرفه‌ای است تا در این صنعت پولساز به موفقیت برسد. باشگاه‌های مطرح جهان با همین شیوه در مسیر قدم برمی‌دارند و علاوهبر درخشن در مسابقات مختلف، درآمدی نجومی به جیب می‌زنند. در فوتبال ایران البته خبری از درآمدزایی و پولسازی نیست، همین که باشگاه‌ها از سوی افراد کاربلد اداره شوند و ضرر روی دست باشگاه نگذارند همه راضی و خوشحالدند. در فصلی که بسیاری از مدیران باشگاه‌ها برای پنهان کردن ضعف‌ها و شکست‌های‌شان آسمان و ریسمان یافتند و با مصاحبه‌های تند خود قرار رویه جلو کردند، مدیرعامل تراکتور رویه دیگری را در پیش گرفت و با عبور از تصمیمات و رفتارهای احساسی، تمام تلاشش را کرد تا آرزوی دیرینه هواداران این تیم به واقعیت تبدیل شود. از وقتی تراکتور به لیگ‌برتر بازگشت، برخی تفکرات و تأکید بیش از حد روی بومی‌گرایی و همچنین تصمیمات غیرمنطقی، روی عملکرد تیم تأثیر منفی می‌گذاشت و در پایان فصل نتیجه‌ای که هواداران انتظارش را داشتند محقق نمی‌شد. از وقتی محمدرضان زوزی مالکیت باشگاه برشدار تراکتور را به دست گرفت، قرمزها هم به جمع تیم‌های متمول لیگ اضافه شدند، با این تفاوت که خبری از دیدگاه حرفه‌ای و فوتبالی نبود و خریدها و ریخت‌وپاش‌ها صرف‌افزایی جا نماندن از تیم‌های برطرقدار و شاید هم کسب شهرت انجام می‌شد. طی سال‌های اخیر مربیان خارجی زیادی به تراکتور آمدند اما هیچ کدام از آنها کارایی لازم را نداشتند و زودتر از حد انتظار اخراج می‌شدند. این بار اما زنوزی از اشتباهات گذشته درس گرفت و به جای آنکه ثروت زیداش را الکی حیثیومیل کند، حساب‌شده پیش‌رفت و بازیکنان

«خداداد» ضربه‌گیر تراکتور

اضافه شدن خداداد عزیزی به نیمکت تراکتور ابتدا تصمیمی عجیب و نادرست به نظر می‌رسید ولی گذر زمان نشان داد او در بهترین زمان به داد مدعی اصلی قهرمانی رسید و یک تنه بار حاشیه‌ی تیم را به دوش کشید. در گذشته یادمان است تیم‌هایی که کادرفنی پرمیاهو و جنجالی در اختیار داشتند، در مواقع حساس چطور شرایط را به نفع خود تغییر می‌دادند. معمولاً کمک‌مربیان و سرپرستان تیم این مسئولیت را بر عهده دارند و یاد و یاداد و یبباد و جاروجنجال، جو بازی و ورزشگاه را به سود خود تغییر می‌دهند، حتی در مواقعی برخی داوران هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و اینگونه کار درمی‌آید. با توجه به روحیات اسکوپچ و رفتارهایش کنار زمین و همچنین جواب دادن جنین حربه‌ای در لیگ‌برتر کشورمان، جای خالی چنین آدمی در نیمکت تراکتور احساس می‌شد. باعث به پرسپولیس در هفته هفدهم، زنوزی را



مربیانی را به خدمت گرفت که به عملکردشان و تأثیرشان در موفقیت تیم اطمینان داشت. او دیگر سراغ گزینه‌هایی چون سالغام، بردیف و لیکنز نرفت بلکه در اگان اسکوپچ را نشان کرد، چون می‌دانست این مرد کروات می‌تواند بی‌حاشیه کارش را پیش ببرد و عملکردش در تیم‌هایی که مشخص بود، در حقیقت انتخاب اسکوپچ بیشترین تأثیر را در موفقیت تراکتور داشت. انتخاب بازیکنان به در بخور و کار آمد هم در دستور کار مالک باشگاه قرار داشت و در شرایطی که دیگر تیم‌های مدعی مشغول جاروجنجال بودند، زنوزی به روش خودش و البته پیشنهادهای نجومی توانست سه چهره شناخته شده در لیگ را به تبریز بیاورد؛ علیرضا بیرانوند و ترابی مهم‌ترین آنها بودند. این انتقال‌ها سروصدای زیادی به پا کرد و جنجال‌های زیادی را به همراه داشت، با این حال زنوزی برای مدیریت این جنجال‌ها روش‌های خاص خودش را دارد و با همان راهکارها اجازه نداد بحث شکایت پرسپولیس از بیرانوند عملکرد تیم را تحت تأثیر قرار دهد. سپهرن مدیرعاملی باشگاه به سعید مظفری‌زاده نیز تصمیم خوبی بود؛ داور سابق مدیرعامل باشگاه برطرقداری شد که هوادارانش جز قهرمانی به عنوان دیگری راضی نمی‌شدند. مظفری‌زاده و زنوزی اگر چه در پاسخگویی به ادعاها و حاشیه‌سازی رقبای بیکار نمی‌نشتند ولی با شدت و خشم کمتر مقابل باشگاه‌های دیگر ایستادند و از حق تراکتور کوتاه نیامدند. حالا تراکتور نماینده اول ایران در لیگ‌نخبگان قرار دارد و همه منتظرند ببینند تیم تبریزی برای آسیا چه برنامه‌ای دارد. اگر قرار باشد همانند سرخابی‌های پایتخت و سپاهان، فقط در باد قهرمانی بخوبند و نهایت آرزوی‌شان فتح لیگ ایران باشد، قطعاً خیلی زود باید حذف‌شان از لیگ نخبگان را ببپذیرند ولی اگر تراکتور با اسکوپچ و زود باید برداشش با همین دست‌فرمان ادامه دهند و تیم تقویت شود، می‌توان در آسیا هم به تراکتور امیدوار بود.

نفر اول نیمکت تیم قهرمان این فصل لیگ‌برتر همان مربی‌ای است که فدراسیون فوتبال و به تبعیت از نظر برخی ملی‌پوشان، تصمیم گرفت او را از سرمربیگری تیم‌لی عزل کند تا باز هم در جام‌جهانی سکان به دست کارلوس کی‌روش بیفتد. نتیجه این تصمیم غیر حرفه‌ای را در بازی‌های قطر دیدیم اما باشگاه تراکتور با بررسی‌های لازم به این نتیجه رسید که درآگان اسکوپچ بهترین گزینه برای تحقق رؤیای قهرمانی این تیم است. مرد کروات اگر چه دو سال از فوتبال مآدور بود و پیش از این دست رد به سینه تیم‌های پایتخت زده بود، به پیشنهاد تراکتور نه گفت تا ز قدرت‌تر از گذشته و برای آنکه توانایی‌هایش را به رخ بکشد وارد گود شود. تراکتور اوایل تیرماه تصمیمش را گرفت و قرارداد کادرفنی را ثبت کرد تا هیچ گمانه‌زنی و شایعه‌ای مطرح نشود. درآگان ۶۶ساله در حالی در تبریز کارش را شروع کرد که تجربه سرمربیگری تیم‌لی ایران، تیم‌لی جوانان کراسوی فولاد، صنعت‌نفت و ملوان را در کارنامه داشت. شناخت کافی از فوتبال باشگاهی ایران نقطه عطف او در موفقیتش در لیگ بیست‌وپهارم محسوب می‌شود. اسکوپچ در مدت زمانی که سکاندار تیم کشورمان بود تنها دو شکسته داشت و عملکرد تراکتور در این فصل ثابت کرد او کلا از باخت خوشش نمی‌آید. سرمربی کروات جوری تیمش را می‌چیند و ترکیبی را راهی میدان می‌کند که با حداقل اشتباه، حداقل دریافت گل و حداقل امتیاز از دست داده، زمین را ترک کند. به رغم حواشی موجود سرمربی خارجی هر کاری کرد تا نه خودش اسیر حاشیه شود نه بازیکنانش. او جزو معدود مربیان این فصل لیگ‌برتر است که در صحبت‌ها و مصاحبه‌هایش از

سهم‌ستاره‌ها در قهرمانی

هواداران پرسپولیس مواجه شدند. بیرانوند بیش از همه مورد غضب هواداران تیم سابقش قرار گرفت و حتی هواداران دیگر تیم‌ها نیز علیه‌اش شعارهای تند و زشتی دادند و پرسرش دلار تقلبی ریختند. پرسپولیسی‌ها از چندین مشاور، آنالیزور و کارشناس استفاده می‌کنند. در فوتبال حرفه‌ای اسم و شهرت به تنهایی کارساز نیستند بلکه این توانایی و مهارت بازیکنان است که به داد تیم‌ها می‌رسد. لیگ ایران بازیکنان با کیفیت زیادی ندارد و به غیر از چند نفر بقیه متوسط و ضعیف هستند. از همین داشته‌های اندک جدا کردن نفرات کار آسانی نیست، ضمن اینکه انتقال بازیکنان در کشور ما هیچ‌اصول و قانونی ندارد. بانک زدن به اردوگاه پرسپولیس اتفاقی نبود که سرخیوشان انتظارش را داشته باشند، منته‌ا مدیریت باشگاه تراکتور این کار را انجام داد و جذب سه بازیکن از پرسپولیس تا قهرمانی این تیم؛ یکی از اصلی‌ترین حواشی تراکتور بود. علیرضا بیرانوند، مهدی ترابی و دانیال اسماعیلی‌فر، همان سه تفنگداری هستند که از تهران به تبریز آمدند و بابت همین تصمیم با رفتارها و شعارهای



حرفه‌ای‌ترین مربی فصل

گفتن اظهارنظرهای عجیب، بی‌ادبی و اتهام‌زنی به رقبای خودداری کرده است، حتی در مواقعی که اشتباهات داوری به اوج می‌رسید نیز اسکوپچ برای نشان دادن اعتراض و شکایتش، ادب و شان خود را زیر سؤال نبرد، در حالی که بسیاری از مربیان لیگ‌برتری در انتقادهای خود از داوری و حتی تیم‌های حریف اهمیتی به رعایت اخلاق و ادب نمی‌دادند. در نیم‌فصل دوم تراکتور تنها یکبار شکست خورد و دوبار هم مقابل چادرملو و سپاهان متوقف شد، این یعنی از ۳۹ امتیاز موجود فقط هفت امتیاز را از دست داد و در حقیقت این نتایج درخشان بود که تراکتور را به قهرمانی رساند. هنوز هم کار اسکوپچ تمام نشده و دو بازی باقی‌مانده می‌تواند یک رکورد تاریخی به نام تیم تبریزی به ثبت برساند. در صورت پیروزی قرمزها در این دوبازی رکورد کسب بیشترین امتیاز کسب شده در لیگ شکسته خواهد شد و تراکتور فصل را با ۷۰ امتیاز به پایان خواهد رساند. بعد از مسجل شدن اولین قهرمانی تراکتور، مرد کروات‌اتراف کرد برای رسیدن به موفقیت با خیلی‌ها جنگیده و بیشتر خوشحالی‌اش یابت مردم تبریز و هواداران تراکتور است. پرواضح است اسکوپچ بعد از اخراج ناباورانسانه‌ای از تیم‌لی، انگیزه زیادی برای بازگشت باشکوه به فوتبال ما داشت و قهرمانی تراکتور او را به هدفش رساند.

